



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۱۰

و ع حیدری

از ارتجاع سیاه تا کمونیزم سرخ و باز دیموکراسی سیاه و سرخ

افغانستان، این وطن داغیده ما برای اولین بار در سال ۱۹۱۹ استقلال خود را بعد از قربانی های زیاد در میدان جنگ حاصل نمود ولی دشمنان خدا، وطن و مردم به کمک ارتجاع سیاه يك دزد را از يك اقلیت متعصب یاری کرد و ملت را به مصیبتی گرفتار ساخت که دیگر نه جان، نه مال و نه عزت مردم در امان بود.

وطن یکبار دیگر آنهم بعد از رنج و درد مردم به رهبری و درایت بزرگان با تجربه مملکت از این فاجعه نجات داده شد، اما متأسفانه میراث آن به شاه غافل و عیاشی سپرده شد که دست به دامن یارانی زد که آنان زیر نام دیموکراسی وطن را به جای کشانیدند که دروزاه های امنیت مملکت در هم شکست و اغیار تخم خود را با چنان نیرگی کشت کردند که آتش پر خشم این دانه های خانمانسوز تا هنوز خاموش نگردیده.

شاه امان الله خان غازی و شهید محمد داود را که به ترقی و تعالی کشور می اندیشیدند، کافر خواندند در حالیکه خود که در رکاب کفر بودند. این سیف شیطان بود نه اسلام که بجان وطن افتاد. این دسته در کمپ های کفر کلان شدند و گوشت و خون شان از پول کفر تغذیه شد و تا هنوز در خدمت کفر می جنگند.

استقلال و اولین جمهوریت ما به امر و کمک بادر بیگانه یکی زیر نام کفر دیگری زیر نام زحمتکشان تخریب کردند و بلای و مصیبت دیگری بود که ملت قهرمان با قربانی های ذابالوصفی توانستند بپا خاستند و توانستند که نه تنها که اینان را از وطن برانند و در پهلوی آن دامن کمونیزم را از جهان برچینند.

حال که ارتجاع سیاه و سرخ دست بهم داده و این بار زیر نام دیموکراسی می خواهند این ملت را از مسیر تمدن باز دور دارند، یکی بنام خراسان استخوان های پوسیده انسان و حیوان را جمع نموده اند و ادعا دارند که آنچه گرد آورده اند که گویا این بقایای همان دست کج و قطاع الطریقی است به يك تفاوت که اینبار بادران خارجی شان مستقیماً همرايشان هستند. دیگری سینه چاک می کند که ما دیموکراسی می خواهیم و لو که نیم لنگه هم باشد، البته باز هم که باداری را در پشت خویش داریم.

جالب است توجه شود به محتوی گفتار این دزد شمالی نمونه ارتجاع سیاه یا نوکر کفر (سقوی دیروز)

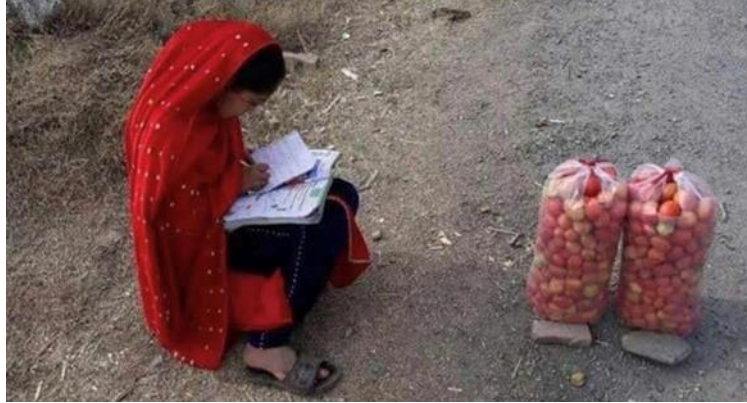
اولین بیانیه حبیب الله کلکانی مشهور به بچه سقاو:

(مه (من) اوضای (اوضاع) کفر و بی دینی و لاتی گری حکومت سابقه ره (را) دیده، و برای خدمت دین رسول الله (کمر جهاده (جهاد را) بسته کدم (کردم) تا شما بیادها ره (برادر ها را) از کفر و لاتی گری نجات بتم (بدهم). مه باد ازی (بعد ازین (پیسه (پول) بیت المال به تعمیر و متب (مکتب) خرج نخات کدم (نخواهم کرد)، بل همه ره (را) به عسکر خود میتم (میدهم) که چای و قند و پلو بخورن، و به ملا ها میتم که عبادت کنن، مه مالیه صفایی و ماسول (محصول) گمرک نمیگیرم و همه ره بخشیدم و دیگه (دیگر) مه پاچای (پادشاه) شماستم و شما رعیت مه می باشین، بروین (بروید) باد ازی همیشه سات خوده تیر کنین (ساعت خود را خوش بگذرانید)، مرغ بازی، بودند بازی کنین، و ترنگ تانه (شاداب) خوش بگذرانین.

منبع: تاریخ و زبان در افغانستان. نگارش: نجیب مایل هروی

موجیم که آسودگی ما عدم ماست

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم



فراموش نکنیم نسل دیگر در وطن با اندیشه دیگری در حال رشد اند و این نسل علم پرور برخلاف چپاول گران سقوی علاقمند علم و معرفت و کار هستند و آنگاهی که ذخیره های دالر های اندوخته از خیانت و مرمی های ساخته بدست دشمن دربانک ها و گدام ها به اتمام برسند، توانایی قیام این ملت قرمان را در خواهند یافت

پایان